

عکس تزئینی است

۳ مرد جوان برای خوشگذرانی در پوشش مامور از رستوران‌داران اخاذی می‌کردند

فریب دردسرساز بچه‌پولدارها

سه دوست و هم‌محلی که پول‌هایشان از پارو بالا می‌رفت، نقشه عجیبی را برای خوشگذرانی انتخاب کردند. این مردان تحصیلکرده که تمام تفریحات را با پول انجام داده بودند و دلشان دیگر شاد نمی‌شد، تصمیم گرفتند با روشی دیگر برای لحظاتی هم که شده زندگی را به کام خود شیرین کنند.

آنها به رستوران‌های بالای شهر می‌رفتند و زمانی که می‌دیدند صاحب رستوران قوانین و قواعد را رعایت نمی‌کند، خودشان را مامور معرفی کرده و نقشه‌ای را که در سر داشتند اجرا می‌کردند. ماموران پلیس تهران پس از شکایت از سه متهم آنها را دستگیر کرده و با ادعای عجیب آنها روبه‌رو شدند. یکی از آنها در گفت‌وگو با تپش به تشریح این تفریح دردسرسازشان پرداخت که در ادامه می‌خوانید.

به چه جرمی بازداشت شدی؟

همراه دو نفر از دوستانم به رستوران‌ها و قهوه خانه‌های بالای شهر می‌رفتیم. و آنهایی را که مورد داشتند انتخاب می‌کردیم. سراغ صاحب رستوران می‌رفتیم و معترض می‌شدیم چرا موارد و شئونات اسلامی را رعایت نمی‌کنند. آنها خودشان به ما پول می‌دادند و پول غذا را هم از ما نمی‌گرفتند.

همین‌طوری و بدون هیچ وسیله نظامی؟

همین‌طوری که نه. به هر حال بی سیم و وسایل دیگر را همراه داشتیم. دست خالی که نمی‌رفتیم.

چقدر گیرتان می‌آمد؟

خیلی کم. روی هم رفته یک میلیون تومان هم به ما نمی‌دادند. یک میلیون تومان تقسیم بر سه پولی دستمان را نمی‌گرفت. باورتان نمی‌شود حتی دکمه کت و شلوار مارک ما هم نمی‌شد.

با این حساب وضع مالی‌تان خوب است؟

خوب داریم تا خوب. اما دست مان به دهان مان می‌رسد و به قولی دخلمان از خرجمان بیشتر است. ما برای خودمان کسی هستیم و واقعا هیچ وقت فکرش را هم نمی‌کردیم بخواهیم به خاطر چنین مبالغ اندکی بازداشت شویم. ما آدم های تحصیلکرده‌ای هستیم و اگر همکاران مان بفهمند چکار کرده‌ایم، آبرویمان می‌رود.

تحصیلکرده؟ تحصیلاتتان چقدر است؟

من دانشجوی دکتری هستم. دو همدستم هم مهندس هستند. خانه‌مان در شمال تهران است و هر زمان هم شاکی‌ها بخواهند می‌توانیم پول‌هایی را که از آنها گرفته‌ایم برگردانیم.

تحصیلات بالا و ثروت زیاد. اعتیاد هم که ندارید. پس انگیزه‌تان برای سرقت آن هم به این صورت و تحت پوشش مامور چه بود؟

برای تفریح. حوصله‌مان سر رفته بود. ما آن‌قدر پول داریم که بتوانیم هر تفریحی انجام دهیم. هر کشور خارجی برویم و زندگی مان را به خوبی بگذرانیم، اما همه این تفریحات برای ما تکراری شده بود. هیچ لذتی نمی‌بردیم. کم کم داشتیم افسرده می‌شدیم. یک روز که خانه یکی از همدستانم مهمان بودیم، درد دلم باز شد و از یکنواخت بودن زندگی‌ام گفتم. آن موقع بود که متوجه شدم آنها هم همین مشکل مرا دارند و از زندگی شان راضی نیستند. به فکر چاره‌ای برای بیرون آمدن از این افسردگی و تغییر زندگی بودیم که از شانس بد یا خوبمان دوستم یک فیلم گذاشت تا روحیه مان تغییر کند. ماجرای فیلم درست همان ماجرای جرم ما بود.

همانجا ایده این کار به ذهنم خطور کرد. موضوع را که با همدستانم در میان گذاشتم آنها هم استقبال کردند. خلاصه این‌که تصمیم گرفتیم با بی سیم و وسایل نظامی به رستوران‌ها و قهوه خانه‌های مورد دار برویم و به آنها تذکر بدهیم. ترس صاحب رستوران و تلاش آنها برای این‌که ما را راضی کنند که سکوت کنیم و موضوع را به هیچ نهادی خبر ندهیم باعث می‌شد بعد از بیرون آمدن از آنجا کلی شاد شویم. روحیه ما با این کار تغییر می‌کرد، واقعا تنها انگیزه‌مان همین بود. حتی میزان پول را هم ما مشخص نمی‌کردیم، صاحبان رستوران‌ها و قهوه‌خانه‌ها خودشان مبلغ را به ما می‌دادند. به هر حال که کلی لذت بردیم و از افسردگی درآمدیم، اما وقتی بازداشت شدیم حالمان جا آمد.

سه مرد جوان وقتی حس کردند زندگی برایشان یکنواخت شده، برای این که تفریح کنند نقشه عجیبی را طراحی کردند

نظرات خوانندگان

خسرو از خمینی‌شهر: سلام خدمت کارکنان روزنامه جام‌جم. سه ماه است که من تپش را نخوانده‌ام هر جا می‌روم می‌گویند چاپ نمی‌شود. من عاشق تپشم و ۹ سال است که طرفدارش هستم.

علی حسن‌بیگی از شیراز: باسلام. از این‌که نظرات خوانندگان را با دقت و حوصله مطالعه می کنید و پاسخ درخور تحسین و منطقی می‌دهید. بسیار متشکر و سپاسگزاریم.

رضا میرزایی از اصفهان: مصاحبه با دزد حرفه‌ای خیلی جالب بود. به‌خصوص هشدارهایی که داده بود. من از وقتی تپش را می خوانم سعی می‌کنم به نکاتی که گفتند توجه و آنها را رعایت کنم.

میثم محمدی از تهران: با کاهش تعداد صفحات و حالا با کاهش تعداد روزنامه باعث می‌شوید بین ما و تپش فاصله ایجاد شود.

عکس هفته

کشف اسلحه های قاچاق درطرح پلیس اصفهان



عکس: میزان

آیا می‌دانستید

- در تمام موارد درخواست طلاق-به‌جز طلاق توافقی-دادگاه باید به منظور ایجاد صلح و سازش موضوع را به داوری ارجاع کند.
- هرگونه عکسبرداری یا تصویربرداری یا ضبط صدا از جلسه دادگاه ممنوع است، مگر به دستور رئیس دادگاه.
- هرگاه محکوم به پرداخت دیه فوت کند، در صورت تقاضای محکوم له، دیه از ماترک محکوم علیه پرداخت می‌شود.
- اگر پدر از اجازه دادن مضایقه نماید یا به ایشان دسترسی نباشد، می‌توان از طریق مراجعه به دادگاه از آنجا اجازه نکاح گرفت.
- ازدواج زن ایرانی با تبعه خارجی موکول به اجازه از سوی دولت است.